

متن پرسش

درباره عصمت جایگاه امامت در ولی فقیه: دلیل عقلی‌ای که بر اثبات امامت پیامبر (ص) و ائمه (ع) آوردیم مربوط به جایگاه است نه شخص زیرا احکام عقلی احکامی کلی هستند. به تعبیر دیگر دلیل عقلی ما اثبات می‌کند که هر شخصی در این جایگاه قرار گرفته باشد باید معصوم باشد. البته ائمه غیر از شأن حکومتداری شأن مرجعیت علمی (بیان احکام) و شأن هدایت معنوی را نیز دارای هستند. بنابراین عصمت ائمه بالاترین مرتبه عصمت است. زیرا عصمت می‌تواند در اعمال ظاهری و یا عصمت در اعمال قلبی و روحی و ... مطرح شود. حال اگر عصمت مخصوص جایگاه و نه شخص ائمه است و ولی فقیه دقیقاً همان جایگاه معصوم را در امر حکومتداری دارد، بنابراین عصمت در ولی فقیه شبیه عصمت در امام است هر چند عصمت امام در بالاترین مرتبه از عصمت باشد. به تعبیر دیگر اگر مردم در زمان ما حکومتداری ولی خدا را پذیرفته باشند پس خداوند باید حاکم صالح را به مردم بدهد و اگر ندهد مردم در این زمینه هدایت نمی‌شوند و با لطف الهی ناسازگار است. آیا می‌توان گفت عصمت ولی فقیه مرتبه‌ای از مراتب عصمت امام بوده و در حقیقت عصمت از ملکه عصمت در انسان ناشی شده که همان ملکه تقوا و معنویت است که مرتبه نازله تقوا و معنویت امام است؟ نتیجه این بحث آن است که اگر انتقاد به شخص معصوم کار خطایی است زیرا معصوم امکان ندارد خطا کند پس انتقاد به ولی فقیه نیز خطاست. انتقاد به امام در واقع انتقاد به جایگاه هدایت کننده از طرف خداست که معصومانه است هر چند شخصی که در آن قرار گرفته جزو ائمه نباشد. البته جای انتقاد به ولی الهی همیشه در جامعه اسلامی باز است. نه به این خاطر که انتقاد وارد است و باید اصلاح شود، بلکه بدین خاطر که مردم آزاد باشند تا خودشان متوجه خطای خود بشوند و رشد کنند. به هر حال اگر ولی فقیه (به عنوان یکی از شئون امام معصوم) معصوم نباشد استدلال ما برای اثبات عصمت امام نیز منتفی می‌شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عصمت ائمه «علیهم‌السلام» به صراحت آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب، تکوینی است که بحث آن در میزان به‌خوبی آمده است و ولی فقیه به حکم روایتی که می‌فرماید:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لِلْأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ» اگر خداوند بنده‌ای از بندگانش را جهت امور مردم انتخاب کرد، سینه‌ی او را گشاده می‌گرداند. تا در مدیریت خود کوچک‌ترین لغزشی نداشته باشد و امور

بندگان را با وسعت نظر سر و سامان دهد. «فَلَمْ يَغِي بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَ لَمْ تَجِدْ فِيهِ غَيْرَ صَوَابٍ» در نتیجه آنچنان توانا می‌شود که در جواب‌گویی به هیچ نیازی در نمی‌ماند و غیر از صواب از او نخواهی یافت و به خوبی مصلحت مردم را در نظر می‌گیرد. «فَهُوَ مُوَفَّقٌ مُسَدِّدٌ مُؤَيَّدٌ»^[۱] پس او در کار خود موفق و محکم و مورد تأیید الهی است.

مطابق روایت فوق، ولی فقیه مؤید به تأییدات الهی است. ولی به هر حال خود او متوجه است که آن نوع عصمت که ائمه دارا هستند و به صراحت ادعا می‌کنند؛ را ندارد. و به همین جهت در بستر سیره‌ی معصومین عمل می‌کند و بدین لحاظ از آن نوع خطرات و اشتباهات که به معنای انحراف است، در امان هستند. موفق باشید

[۱] - تحف العقول، ص ۴۴۳